



جمهوری اسلامی ایران

مرکز مدیریت حوزه های علمیه

مدیریت حوزه علمیه استان قم

رساله علمی سطح ۴

عنوان رساله:

عوامل تکوّن شخصیت اخلاقی و معنوی انسان از منظر قرآن کریم

استاد راهنما: آیت الله ابوالقاسم صلواتی گلستانی

استاد مشاور: حجت الاسلام و المسلمین دکتر علی اصغر تجری

محقق: احمد شایق نیک نفس

تابستان ۱۳۹۹

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقديم:

تقديم به روح پاک و مطهره حضرت زهراء سلام الله عليها «رب شرفنى بزيارتها و شفاعتها عليها السلام»

اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَ زِدْ وَ بَارِكْ عَلَى السَّيِّدَةِ الْجَلِيلَةِ الْجَمِيلَةِ ، الْمَعْصُومَةِ الْمُظْلُومَةِ ، الْكَرِيمَةِ النَّبِيلَةِ ، الْمَكْرُوبَةِ الْعَلِيَّةِ ، ذَاتِ الْأَحْزَانِ الطَّوِيلَةِ فِي الْمُدَّةِ الْقَلِيلَةِ ، الرَّضِيِّةِ الْحَلِيمَةِ ، الْعَظِيمَةِ السَّلِيمَةِ ، الْمَجْهُولَةِ قَدْرًا ، وَالْمَخْفِيَّةِ قَبْرًا ، الْمَدْفُونَةِ سِرًّا ، وَالْمَعْصُوبَةِ جَهْرًا ، سَيِّدَةِ النِّسَاءِ ، الْأَنْسِيَّةِ الْحَوْرَاءِ ، أُمِّ الْأَيْمَةِ النَّقْبَاءِ النَّجْبَاءِ ، بِنْتِ خَيْرِ الْأَنْبِيَاءِ ، الطَّاهِرَةِ الْمُطَهَّرَةِ ، الْبَتُولِ الْعَذْرَاءِ ، فَاطِمَةَ التَّقِيَّةِ الزَّهْرَاءِ عَلَيْهَا السَّلَامُ . الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى ذُرِّيَّتِكَ يَا فَاطِمَةُ الزَّهْرَاءِ ، يَا بِنْتَ مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ ، أَيُّهَا الْبَتُولُ ، يَا قُرَّةَ عَيْنِ الرَّسُولِ ، يَا بَضْعَةَ النَّبِيِّ ، يَا أُمَّ السَّبْطَيْنِ ، يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ ، يَا سَيِّدَتَنَا وَمَوْلَاتَنَا ، إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ ، وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ، يَا وَجِيهَةً عِنْدَ اللَّهِ ، إِشْفَعِي لَنَا عِنْدَ اللَّهِ .

سپاسگزاری:

تقدیر و تشکر فراوان می‌نمایم از استاد ارجمندم حضرت آیت الله حاج شیخ أبو القاسم صلواتی گلستانی که زحمت راهنمایی اینجانب برای تهیه این پایان‌نامه را متقبل گردیدند و مشفقانه در این راه یاری‌ام دادند چراکه در نتیجه هدایت، ارشاد و راهنمایی‌های بیدریغ و سازنده ایشان، این رساله به سرانجام رسید و همچنین استاد گرانمایه حضرت حجت الاسلام والمسلمین دکتر علی اصغر تجری که به عنوان استاد مشاور از علم و دانش ایشان بهره‌مند شدم.

چکیده:

انسان همواره در فکر و مطالعه، پیرامون چگونگی آفرینش و اوصاف نفسانی خود، بوده است و قرآن کریم نیز به این مهم سفارش می کند. بر همین اساس نویسنده درصدد است موضوع «عوامل تکون شخصیت اخلاقی و معنوی از منظر قرآن کریم» را مورد بررسی و تحقیق قرار دهد. روش تحقیق و بررسی به صورت تحلیلی بوده که یا جنبه توصیفی (چیستی انسان و غرائز و صفات و انگیزه های او) دارد و یا جنبه ارزشی (اهداف و ارزش ها و باید ها و نباید ها). طبق فرمایش قرآن کریم، عمل انسان مترتب بر «شاکله» اوست، به این معنی که عمل او، هر چه باشد تراوش شخصیت درونی اوست. انسان پس از طی مراحل از تولد تا مرگ، دارنده یکسری صفات اخلاقی حمیده و رذیله می باشد؛ که بعضی از آن ها را به صورت «وراثتی» و بعضی را از «محیط» پس از تولد، و طی مراحل مختلف رشد، و بعضی را از طریق «تعلیم و تربیت» کسب می کند. همچنین در بسیاری از آیات قرآن کریم، «شخصیت اخلاقی» انسان تابع خواست خداوند متعال، بیان شده است و نیز «عقل و اراده» در انجام افعال انسان مؤثر شناخته شده است چراکه افراد بر حسب درجات «عقل و اراده»، «شخصیت» متفاوتی دارند. در هر صورت، بحث عوامل تأثیرگذار بر «شخصیت» در میان است. عوامل مؤثر و سازنده در «تکون شخصیت انسان» در علوم مختلف مورد بحث و مذاقه قرار گرفته است که بنا بر علل مختلفی مانند: کج فهمی و تعصب به مکتب خاصی، موجب افراط در نظریه ها، نظیر: نظریه جبر «ژنتیکی و محیطی» شده است. لیکن می توان با بررسی آیات قرآن کریم و باتوجه به صفات طبیعی و اکتسابی انسان؛ به گونه ای که تعیین کننده سرنوشت انسان باشد؛ مهمترین عوامل دخیل در «تکون شخصیت اخلاقی و معنوی» را سه عامل؛ «وراثت، محیط، تعلیم و تربیت» دانست که البته «مشیت الهی» در طول و مقدم بر سه عامل فوق است. در این میان عامل «تعلیم و تربیت» نسبت به سایر عوامل «شخصیت ساز» از اهمیت بیشتری برخوردار است بطوریکه باعث رشد «عقل» و تقویت «اراده» است و باعث ظهور بیشتر و یا خمول و پنهان شدن صفات وراثتی می شود و این تأثیرگذاری خود دلیل بر نقش «اراده و اختیار» در تکون شخصیت انسان و دلیل بر بطلان نظریه «جبر» در این موضوع است و در نهایت باعث رشد و خودشکوفایی و انگیزه های شناختی در فرد می شود. بنابراین «شکل گیری شخصیت» ناشی از عواملی است که بدون توجه و شناخت آن ها نمی توان برنامه تربیتی مناسبی برای انسان طراحی نمود.

کلید واژه ها: قرآن، شخصیت، شخصیت اخلاقی، شخصیت معنوی، وراثت، محیط، تعلیم، تربیت،

فهرست مطالب

مقدمه:	۷
فصل اول: کلیات و مفاهیم	۷
۱-۱- گفتار اول - کلیات طرح	۸
۱-۱-۱- بیان مسأله:	۸
۱-۱-۲- اهمیت و ضرورت تحقیق:	۹
۱-۱-۳- سوالات اصلی و فرعی:	۱۰
۱-۱-۳-۱- سوال اصلی:	۱۰
۱-۱-۳-۲- سوالات فرعی:	۱۰
۱-۱-۴- فرضیه های تحقیق:	۱۰
۱-۱-۵- هدف ها و کاربردهای تحقیق:	۱۱
۱-۱-۶- پیشینه تحقیق:	۱۱
۱-۱-۶-۱- کتاب ها:	۱۱
۱-۱-۶-۲- پایان نامه ها:	۱۵
۱-۱-۶-۳- مقاله ها:	۱۶
۱-۱-۷- روش پژوهش	۱۸
۱-۱-۸- روش گردآوری اطلاعات و داده ها:	۱۸
۲-۱- گفتار دوم - مفهوم شناسی	۱۹
۱-۲-۱- مفهوم شناسی تکوّن	۱۹

۱۹-۱-۲-۱- تکوّن در لغت: ۱۹

۱۹-۲-۱-۲- تکوّن در اصطلاح: ۱۹

۲۱-۲-۱- مفهوم شناسی شخصیت ۲۱

۲۱-۲-۲-۱- شخصیت در لغت: ۲۱

۲۳-۲-۲-۱- شخصیت در اصطلاح: ۲۳

۲۴-۳-۲-۱- شخصیت شناسی در قرآن ۲۴

۳۵-۳-۲-۱- مفهوم شناسی اخلاق ۳۵

۳۵-۱-۳-۲-۱- اخلاق در لغت: ۳۵

۳۵-۲-۳-۲-۱- اخلاق در اصطلاح: ۳۵

۳۸-۳-۳-۲-۱- کاربرد واژه اخلاق در قرآن کریم: ۳۸

۴۱-۴-۲-۱- مفهوم شناسی معنوی ۴۱

۴۱-۱-۴-۲-۱- معنوی در لغت: ۴۱

۴۱-۲-۴-۲-۱- معنوی در اصطلاح: ۴۱

فصل دوم: تأثیر وراثت در شخصیت ۴۵

۴۸-۱-۲- دانش توارث ۴۸

۵۴-۱-۱-۲- جبرگرایی ژنتیک و نقد آن: ۵۴

۵۸-۲-۱-۲- نقض وراثت تام ۵۸

۶۰-۲-۲- وراثت در قرآن کریم ۶۰

۶۲-۱-۲-۲- عوامل مؤثر بر وراثت ۶۲

۶۳-۱-۱-۲-۲- انتخاب همسر: ۶۳

۶۸-۲-۱-۲-۲- زمان انعقاد نطفه: ۶۸

۷۱-۳-۱-۲-۲- دوران بارداری: ۷۱

۷۴-۴-۱-۲-۲- تغذیه و شیر مادر ۷۴

- ۲-۳- مفهوم واژه شاکله در قرآن کریم ۸۰
- ۲-۳-۱- ناحیه ۸۱
- ۲-۳-۲- حاضره ۸۲
- ۲-۳-۳- جدیده و طریقت و مذهب ۸۳
- ۲-۳-۴- طبیعت ۸۴
- ۲-۳-۵- نیت ۸۸
- ۲-۳-۶- خلق و خوی ۹۰
- ۲-۴- نقش بنیادی ساختار ژنتیک از منظر قرآن کریم ۹۴
- ۲-۴-۱- اصلاح نژاد با نابودی اقوام ۹۵
- ۲-۴-۲- والدین صالح ۹۹
- ۲-۵- وراثت و انتقال صفات ۱۰۴
- ۲-۵-۱- تاثیر وراثت در صفات جسمانی ۱۰۵
- ۲-۵-۲- تاثیر وراثت در صفات هوش و حافظه ۱۰۹
- ۲-۵-۳- تاثیر وراثت در صفات اخلاقی ۱۱۱
- ۲-۶- تأثیر وراثت بر معنویت ۱۱۶
- فصل سوم: تأثیر محیط در شخصیت ۱۱۸
- ۳-۱- عوامل محیطی مؤثر در شخصیت ۱۲۰
- ۳-۱-۱- محیط غیرانسانی و زیستی ۱۲۰
- ۳-۱-۱-۱- تأثیر محیط طبیعی بر اخلاق ۱۲۳
- ۳-۱-۲- محیط انسانی و اجتماعی ۱۲۶
- ۳-۱-۲-۱- محیط خانواده ۱۲۹

- ۱۳۴ محیط دوستان و همسالان. ۲-۲-۱-۳
- ۱۳۸ محیط کار. ۳-۲-۱-۳
- ۱۴۱ محیط آموزشی. ۴-۲-۱-۳
- ۱۴۲ محیط معنوی. ۵-۲-۱-۳
- ۱۴۳ محیط فرهنگی. ۶-۲-۱-۳
- ۱۵۲ محیط سیاسی. ۷-۲-۱-۳
- ۲-۳- راهکارهای سالم سازی محیط ۱۵۴**
- ۱۵۶ افزایش تعلیم و تربیت عمومی. ۱-۲-۳
- ۱۶۲ حدود و تعزیرات. ۲-۲-۳
- ۱۶۶ جهاد. ۳-۲-۳
- فصل چهارم: تأثیر تعلیم و تربیت در شخصیت ۱۶۹**
- ۱-۴- فرق وراثت و محیط با تعلیم و تربیت ۱۷۱**
- ۲-۴- فرق تعلیم با تربیت ۱۷۲**
- ۱۷۲ فرق «عملی» بین تعلیم و تربیت. ۱-۲-۴
- ۱۷۹ فرق تعلیم و تربیت از حیث هدف: ۱-۱-۲-۴
- ۱۸۱ فرق تعلیم و تربیت از حیث اصول: ۲-۱-۲-۴
- ۱۸۳ فرق تعلیم و تربیت از حیث روش: ۳-۱-۲-۴
- ۳-۴- مبانی تربیتی اخلاقی و معنوی قرآن کریم ۱۸۴**
- ۱۸۵ مهر و محبت. ۱-۳-۴
- ۱۸۷ جهت دهی به اعتقادات دینی فرزندان. ۲-۳-۴
- ۱۸۸ تکریم و احترام به کودک. ۳-۳-۴
- ۱۸۸ تربیت جسم، ذهن و عاطفه کودک با بازی کردن. ۴-۳-۴

- ۱۹۰ آموزش احکام و فروع شریعت ۵-۳-۴
- ۱۹۰ پذیرش خطاهای فرزندان ۶-۳-۴
- ۱۹۱ روش های تربیتی انبیاء در قرآن کریم ۴-۴
- ۱۹۳ توجه نمودن به غرایز انسانی ۱-۴-۴
- ۱۹۴ الگو سازی ۲-۴-۴
- ۱۹۵ عبرت آموزی ۳-۴-۴
- ۱۹۷ نشان دادن راه نجات و سعادت با تهدید و تشویق ۴-۴-۴
- ۱۹۹ برانگیختن قوه تفکر و تعقل ۵-۴-۴
- ۲۰۰ یادآوری موهبت ها و نعمت های الهی ۶-۴-۴
- ۲۰۱ ابزارهای تربیتی ۵-۴
- ۲۰۲ موعظه ۱-۵-۴
- ۲۰۵ عبادات شرعی ۲-۵-۴
- ۲۰۹ نقش تربیت در پرورش فضائل اخلاقی ۶-۴
- ۲۱۰ خودسازی ۱-۶-۴
- ۲۱۲ خودشناسی ۱-۱-۶-۴
- ۲۱۷ نتیجه گیری:
- ۲۲۰ منابع:
- ۲۳۱ چکیده انگلیسی

مقدمه:

در شکل‌گیری «شخصیت» اخلاقی و معنوی انسان عناصر پیدا و پنهان زیادی مؤثر هستند، لذا این مقوله می‌تواند مؤلفه‌های متعددی داشته باشد مثل: وراثت، محیط، تعلیم و تربیت، آزادی و اختیار، قضا و قدر، مشیت الهی، و ده‌ها عامل دیگر که هر یک می‌تواند به نوعی و تا حدی، در شکل‌یافتن شخصیت فرد تأثیر بگذارد و به درون‌سازی انسان بپردازد. لذا بدون توجه و شناخت آنها، نمی‌توان برنامه مناسبی جهت رشد و تعالی اخلاقیات و معنویات انسان طراحی نمود. برای رسیدن به درک صحیحی از «شخصیت» که همان رسیدن به کلیت روان‌شناختی و هستی‌شناختی انسان، می‌باشد راهی بجز بررسی «عوامل تکون شخصیت» نداریم. از سوی دیگر انسان فطرتاً، پیوسته در تلاش برای کسب شخصیت مطلوب و حقیقی خود - که همان کسب فضائل اخلاقی و معنوی - می‌باشد، که بدون آگاهی از عوامل مؤثر در شکل‌گیری چنین شخصیتی، نمی‌تواند به شخصیت مطلوب و آرمانی خود دست یابد. بحث از «عوامل مؤثر بر شخصیت» هر چند در مباحث «روان‌شناسی شخصیتی» مطرح شده است، ولی در این مباحث عمدتاً به توصیف عوامل بسنده کرده‌اند و هیچ‌کدام بحثی در اینکه جایگاه، نقش و میزان تأثیرگذاری هر یک از عوامل و اینکه کدام یک از عوامل، نسبت به سایر عوامل دیگر، تأثیر بیشتری در تکون شخصیت اخلاقی و معنوی انسان می‌توانند داشته باشند نکرده‌اند. گاهی یک عامل چنان اهمیت پیدا می‌کند که دیگر عوامل را تحت الشعاع خود قرار می‌دهد و به این ترتیب، هر عامل دیگری می‌تواند در موقعیت زمانی یا مکانی خاص اهمیت پیدا کند و تأثیر خود را بگذارد. همچنین در قرار گرفتن هر یک از عوامل در تضاد با عامل‌های دیگر، تأثیرهای خاص خود را دارند تا جایی که شخصیت افراد را تحت تأثیر خود قرار می‌دهند. روان‌شناسان از دیرباز عوامل مؤثر بر شکل‌گیری شخصیت را به دو دسته معروف وراثتی (ژنتیک) و غیر وراثتی (محیط، تعلیم و تربیت، اراده و اختیار، خانواده، و...) تقسیم نموده‌اند. عوامل غیر وراثتی را می‌توان به دو دسته کلی تقسیم نمود: الف- عوامل بیرونی (محیط، تعلیم و تربیت، و...)؛ عواملی هستند که از بیرون بر وجود انسان تأثیر می‌گذارند. ب- عوامل درونی (عقل، اراده، مشیت الهی، و...): عواملی هستند که به درون انسان مربوط می‌شوند و بر او تأثیر می‌گذارند.

از این رو در این پژوهش، سه عامل مهم «وراثت»، «محیط»، «تعلیم و تربیت»؛ که اساسی‌ترین نقش در «تکون شخصیت اخلاقی و معنوی انسانی» دارند، مورد استناد، تحلیل و بررسی قرار داده شده است؛ تا در میزان تأثیرات احتمالی هر یک از این سه عامل، نسبت به سایر عوامل «شخصیت‌ساز»؛ جایگاه و نقش هر کدام از این سه عامل و همچنین شرایط تأثیرگذاری هر کدام را نسبت به سایر عوامل، بر اساس آیات قرآنی در «تکون شخصیت» انسان بررسی کرد.

تردیدی نیست که میزان تاثیر گذاری هر عامل (وراثت، محیط، اراده و اختیار، عقل، مشیت الهی، تعلیم و تربیت و...) در «تکون شخصیت اخلاقی و معنوی انسان»، به یک اندازه و یکسان نمی باشند. زیرا هر یک از عوامل، به دلیل برخورداری از ویژگی های منحصر به فرد خود، و شرایط و جایگاه متفاوتشان در زمان یا مکان خاص؛ زمینه ی تاثیر گذاری را فراهم می سازند. اما آنچه در این بحث از اهمیت ویژه ای برخوردار است؛ چگونگی تعیین میزان تاثیر گذاری هر عامل می باشد. اینکه آیا می شود ملاک هایی برای سنجش میزان تأثیر گذاری برای هر یک از عوامل در نظر گرفت؟ و یا آیا می شود با مقایسه شرایط متفاوت زمانی، نوع و ویژگی؛ عوامل «شخصیت ساز» را بررسی نمود؟ پس با در نظر گرفتن برخی از ملاک ها و معیار هایی، و همچنین با در نظر داشت میزان اهمیت عوامل تأثیر گذار؛ از طریق تطبیق شرایط و ویژگی ها، هر عامل با آن ملاک ها و مشخص شدن میزان برخورداری هر یک از عوامل از آن ملاک ها، اهمیت و تأثیر عوامل تکون شخصیت ساز را مورد ارزیابی، پژوهش و نتیجه گیری قرار داد و با مقایسه نتایج به مطلوب خود که همان مهم قلمداد کردن عوامل شخصیت ساز در سه عامل (وراثت، محیط، تعلیم و تربیت) می باشد رسید.

همچنین با در نظر گرفتن دو مقوله مهم الف- خصوصیات ظاهری افراد و ب- خصوصیات پنهانی که از آن به تمایلات پنهانی تعبیر می کنند، مانند: غرایز و نیازها؛ میتوان میزان تأثیر گذاری عوامل یاد شده (وراثت، محیط، تعلیم و تربیت)، را با ملاک ها و معیار هایمان، تطبیق نموده و عوامل تکون شخصیت را در سه عامل ذکر شده بررسی نمود.

ملاک ها و معیارهای دخیل در میزان تأثیرگذاری و تعیین مهمترین عوامل شخصیت ساز:

ملاک و معیار اول: «گستره تاثیر نسبت به مقاطع گوناگون سنی»: عاملی که مقاطع سنی را پوشش دهد و در مقاطع سنی بیشتری موثر باشد می تواند از اهمیت بیشتری برخوردار باشد.

ملاک و معیار دوم: «گستره تاثیر نسبت به ابعاد گوناگون انسان»: انسان دارای ابعاد گوناگون جسمانی، عقلانی، عاطفی و اخلاقی است. روشن است عاملی که ابعاد بیشتری را تحت تاثیر قرار دهد، می تواند از اهمیت بیشتری برخوردار باشد.

ملاک و معیار سوم: «میزان ارتباط فرد با عامل»: هر قدر مدت زمان ارتباط فرد با عامل بیشتر و عامل، حضور بیشتری نزد فرد داشته باشد، می تواند میزان تاثیر گذاری اش بیشتر باشد.

ملاک و معیار چهارم: «نحوه ارتباط فرد با عامل»: چگونگی ارتباط فرد با عامل نیز می تواند ملاک دیگری بر اهمیت و میزان تاثیر باشد. هرگاه ارتباط عامل با فرد به صورت مستقیم و بدون واسطه باشد می تواند تاثیر آن بر فرد بیشتر باشد.

ملاک و معیار پنجم: «قوت عامل و امکان تاثیر گذاری آن بر عوامل دیگر»: عاملی که نه تنها بر فرد تاثیر گذار باشد بلکه امکان تاثیر گذاری بر دیگر عوامل را داشته باشد و بتواند برای عوامل دیگر محدود کننده یا تقویت کننده و یا به نحوی زمینه ساز تاثیر آن ها باشد از اهمیت بیشتر و تاثیر افزون تری برخوردار خواهد بود.

در بررسی عوامل مؤثر در شخصیت انسان، با توجه به ویژگی اصلی «وراثت و محیط» نمی توان اثر گذاری آن دو را نادیده گرفت، و همه صاحب نظران در تبیین «عوامل شخصیت ساز» متذکر این دو عامل بوده و در تطبیق هر پنج ملاک و معیار، میزان تاثیر گذاری آن دو مشخص است. ولی در سایر عوامل دخیل در تکون شخصیت، دچار اختلاف نظر شده اند.

با نگرش به آیات قرآن کریم این نکته به دست می آید که قرآن کریم نگاهی نظام مند به «شخصیت» انسان دارد و به دست آوردن «فضایل اخلاقی و معنوی» را، عامل «تعلیم و تربیت» می داند در نکته مقابل، روانشناسان مهمترین عامل تعیین کننده «شخصیت» را، «اراده» می دانند که از آن به «آزادی در عمل و اختیار» تعبیر می کنند.

لیکن در بررسی و مقایسه این دو عامل («تعلیم و تربیت» و «آزادی و اختیار») با ملاک ها و معیار های سنجش تاثیر عوامل؛ و همچنین سعی در پاسخ دادن به این سوالات که ۱- چرا انسان در پاسخ به موقعیت های مختلف، بی نظیر از دیگر نوعان خود، رفتار می کند؟ درحالی که افراد از نظر خصوصیات جسمی و از حیث صفات معنوی و اخلاقی با هم شباهت دارند ولی در مجموع از یکدیگر متفاوت هستند؛ و رفتار، عواطف، تمایلات و حرکات هر یک از آن ها دارای رنگ مخصوص است.

۲- چگونه رفتار می کند؟ یا به عبارت دیگر مدل توصیفی رفتار انسان چگونه است؟

۳- چگونه انسان وادار به رفتار خاصی می شود؟

روشن می سازد که عامل «تعلیم و تربیت» از نظر «گستره تاثیر نسبت به مقاطع گوناگون سنی» در تمامی مراحل رشد شخصیتی انسان که شامل: نوباوگی، کودکی اول، سن بازی، سن دبستانی، نوجوانی، جوانی، بزرگسالی، سالخوردگی؛ نقش خود را ایفا می کند.

از نظر «گستره تاثیر نسبت به ابعاد گوناگون انسان» نیز عمده ترین تاثیر را عامل «تعلیم و تربیت» در تربیت اخلاقی و تربیت نفس و خودسازی ایفا می کند

همچنین از نظر «میزان ارتباط فرد با عامل» و «نحوه ارتباط فرد با عامل» به صورت مستقیم و بدون واسطه می باشد.

و نیز از نظر «قوت عامل و امکان تاثیر گذاری آن بر عوامل دیگر» عامل تعلیم و تربیت بر سایر عوامل تأثیرگذار می باشد و تأثیر سایر عوامل را تقویت یا محدود می نماید.

اما «عامل اراده» از نظر مقاطع سنی، عمدتاً پس از دوره کودکی و بلوغ نقش خود را ایفا می کند. عامل «اراده و اختیار» در مقایسه با ویژگی ها و ساختار محیط انسانی و امکانات جسمانی و شرایط نفسانی و روحانی خود و چگونگی رابطه با محیط خود و ارتباط با دیگران، در راستای ارتباط گیری با خدا جهت کسب فضائل اخلاقی و معنوی، اقداماتی را لازم دارد که این آزادی و اختیار جهت رساندن به مطلوب که همان فضایل اخلاقی و معنوی می باشد با تعلیم و تربیت به دست می آید.

پس بنابراین تعلیم و تربیت یکی از عوامل موثر در تکون شخصیت اخلاقی و معنوی انسان با توجه به:

الف- شرایط اولیه مؤثر بر شخصیت انسان ب- محیط های تأثیرگذار بر تعاملات بین انسان ها بر شخصیت انسان، می باشد و اراده و اختیار در طول تعلیم و تربیت می باشد نه در عرض آن و نمی شود اراده را به عنوان عامل موازی با دو عامل دیگر یعنی وراثت و محیط قرار داد هر چند تبیین کننده شخصیت می باشد اما انسان با آمادگی جهت تعلیم و تربیت می تواند کسب صفات اخلاقی نماید.

بنابراین عامل «اراده و اختیار» از ویژگی های منحصر به فرد انسان می باشد و در حالی که «تعلیم و تربیت» از مقوله شخصیتی انسان به حساب می آید و فرق بین آنچه که از ویژگی ذات محسوب می شود و بین آنچه که از عوامل شخصیت ساز به حساب می آید واضح و مبرهن است.

اما نسبت مهمترین عوامل سه گانه «شخصیت ساز»، با «مشیت الهی»، «عقل» و «اراده»:

اکنون این سوال پیش می آید که «نسبت» این سه عامل مهم «شخصیت ساز»، با سه عامل تأثیرگذار دیگر: «مشیت الهی و عقل و اراده» انسان، در چیست؟ زیرا آیات متعدد قرآن «هدایت» و «ضلالت» انسان را بدست خداوند متعال می داند پس «شخصیت اخلاقی» او تابع خواست خدای متعال است و نیز «عقل و اراده» انسان مؤثر در «شخصیت» است. چراکه افراد بر حسب درجات عقل و اراده «شخصیتی» متفاوت دارند.

در پاسخ باید گفت که عوامل سه گانه ای که ذکر شد در عرض عوامل مذکور نیست، بلکه «مشیت الهی» در طول و مقدم بر سه عامل فوق است؛ زیرا انسان موجودی است که خداوند متعال به او «اختیار» و مشیت داده است لیکن این اختیار و مشیت در طول مشیت الهی است و خداوند به مقتضای «آزادی و اختیار» انسان به او تعهد و مسئولیت می دهد. «اراده و اختیار» انسان در انجام أفعالش مؤثر است ولی این تأثیر، مستقل و بالذات و در عرض تأثیرگذاری خداوند نیست بلکه وابسته به مشیت و عنایت خداوندی است.

پس فعل انسان؛ هم «بالذات و مستقل» به قدرت خداوند متعال استناد دارد و هم به طور «غیر مستقیم»، وابسته به قدرت خودش، استناد دارد؛ در عین حال هر دو استناد حقیقی است و تفاوت آن دو، در «بالذات» و «بالغیر» بودن است. پس دو نسبت «بالذات» و «بالغیر»؛ در طول یکدیگرند نه در عرض یکدیگر. پس بنابراین هدایت و ضلالت؛ اثر مستقیم اعمال و صفات خود انسان است.

اما «عقل و اراده» در رتبه متأخر از عوامل سه گانه است و معلول آنست. باتوجه به اینکه انسان دارای «آزادی در عمل و اختیار» است قادر است با «اراده» و با استفاده از نیروی «عقل» خود، بر اساس واقعیت و در نظر گرفتن مصالح و مفاسد، أفعالی را انجام دهد که اگر می خواست، می توانست آن ها را انجام ندهد. پس «عقل و اراده» با «تربیت» صحیح؛ و به تدریج در تعامل با محیط، می تواند انسان را در جهت مخالف میل ژنتیکی و مانند آن هدایت نماید. زیرا انسان به خاطر داشتن «عقل، آزادی و اراده» مانند موجودات بی جان طبیعت نیست که تحت تأثیر اجباری عوامل مختلف قرار گیرد. «اراده» انسان بر اساس شناخت و نوع دریافت ها و آگاهی هایی است که کسب می نماید. پس بنابراین عامل «عقل» و «اراده»، وجودی ضروری و عامل مؤثر، در پرورش «شخصیت» انسان است. دیدگاه هایی که انسان نسبت به «خود» و «جهان پیرامون خود» و «زندگی» پیدا می کند و باورهایی که در خودجای می دهد زمینه تصمیمات و حرکات «ارادی» او را فراهم می نماید.

پس دیدگاه ها و باورهای انسانی، که در اثر رفت و آمد و معاشرت با مردم، تبادل افکار و تجربه به دست می آیند؛ زمینه ساز «عزم و اراده» او است. رفتارها و باورها و عملکرد انسان، که به صورت «فعل ارادی» از او سر می زند، ریشه در «نیت و عزم»، «انگیزه و اراده» او دارد و اصل و جهت رفتارهای انسانی را تحقق می بخشد. پس «عقل و اراده» می توانند نقش اصلی را در بازدارندگی از تأثیر عوامل وراثتی و غیروراثتی بیرونی، داشته باشند. این نقش و جایگاه برای عامل درونی «عقل و اراده» باعث شده است تا نظریه پردازان «شخصیت» نیز در نظریه های خود، از تأثیر آن دو عامل، در شکل گیری «شخصیت» سخن به میان آورند.

عوامل وراثتی و غیروراثتی بیرونی، فقط زمینه را برای «اعمال اراده و اختیار انسان» آسان تر می سازند و فرد با توجه به قابلیت ها و شناخت های فطری خویش، آزادانه و از روی «اختیار» مسیری متمایز از عوامل وراثتی و محیط خود انتخاب می نماید. بنابراین از نظر اسلام «عقل و اراده» نقش عمده ای در تربیت شخصیت اخلاقی و معنوی انسان ایفا می کند و اساس مباحث «خودسازی» در اخلاق «اراده» است، چرا که به کمک «اراده» است که انسان به اصلاح نفس خویش اقدام می کند و اگر جهت گیری او، فقط مبتنی بر دو عامل وراثتی و غیروراثتی بیرونی بود؛ «خودسازی» مفهومی نداشت به همین دلیل در تعالیم تربیتی^۱ اسلام تأکید زیادی بر «خودشناسی» و «خودسازی» (علم حصولی به فطرت و تقویت ابعاد آن) شده است تا فرد در جاذبه های عوامل خارجی مؤثر در تکوین و تحول شخصیت دچار مسخ هویت و از خودبیگانگی نشود.

بنابراین باتوجه به مطالبی که ذکر شد «ژنتیک» و «محیط» را می توان در مقابل و عرض هم دانست و باتوجه به اینکه عامل «تعلیم و تربیت» متغیر است و عامل «وراثت» ثابت؛ نقش «عقل، آزادی و اختیار» زمانی پدیدار می گردد که «ژنتیک با تعلیم و تربیت» در تعامل باشد، زیرا اگر چنانچه موجودی تحت تأثیر موجودات دیگر یا محیطی که در آن زندگی می کند «تغییر» یابد قاعدتاً این امر مربوط به «تعلیم و تربیت» است، اما اگر ذاتش متمایل به «صفات نوع» خود باشد این «وراثت» است که در او پدیدار می گردد. پس اخلاقی که با عوامل «وراثتی» از نسلی به نسل دیگر منتقل می شود با عامل «تعلیم و تربیت» قابل تغییر و تبدیل و کاهش و افزایش است. تأثیرات «وراثت» در حد مقتضی و علت ناقصه است که با نوع «تربیت» در دوران های رشد قابل تغییر می باشد اما حد «اختیار و اراده» انسان امر تشکیکی است که وابسته به میزان آگاهی و عوامل محیطی است.

پس بنابراین با توجه به موارد ذکر شده و نظریه های موجود در حوزه علم روان شناسی و با تجزیه و تحلیل کردن مفهوم «شخصیت» و مباحث مربوط به آن از قبیل: الف- ساختار شخصیت و عناصر سازنده آن و ب- مراحل رشد شخصیت از دوران انعقاد نطفه تا دوران کهولت و ج- ابعاد وجودی انسان؛ طبیعت و نهاد آدمی و نیاز های انسان و د- عوامل رشد صفات اخلاقی و موانع آن و ط- رابطه انسان با خود و محیط؛ میتوان مهمترین عوامل مؤثر بر تکون شخصیت اخلاقی و معنوی انسان را در سه عامل «وراثت»، «محیط» و «تعلیم و تربیت» بیان نمود.

^۱ - در فصل چهارم در بخش «نقش تربیتی تعلیم و تربیت در پرورش فضائل اخلاقی» خودشناسی مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است.

فصل اول: کلیات و مفاهیم

۱-۱-۱- گفتار اول - کلیات طرح

۱-۱-۱- بیان مساله:

«شخصیت»، شکل‌گیری و شکل‌دهی به آن، از مباحث مهم در حوزه انسان‌شناسی شمرده می‌شود. روانشناسان تعریف واحد و معینی از «شخصیت» که مورد اتفاق همگان باشد نتوانسته‌اند ارائه دهند ولی وجه اشتراک تمامی تعاریف به مجموعه ویژگی‌های جسمی، روانی و رفتاری، که فرد را از افراد دیگر متمایز می‌نماید بر می‌گردد. بنابراین می‌توان تعریف «شخصیت» را به این نحو ارائه داد: «شخصیت همان رفتارها و صفات روانی است که انسان از خود بروز می‌دهد و شامل افکار، اعمال و عقائد او است». قرآن کریم به «شکل‌گیری شخصیت انسان»، با توجه به صفات «طبیعی» و «اکتسابی» و نیز از جهت «موضوع سازگاری با محیط و معاشرت در جامعه» توجه ویژه‌ای داشته است و در آیات متعددی به عوامل پرورش، رشد، جهت‌دهی و شکل‌یابی شخصیت اخلاقی و معنوی انسانی، جهت رسیدن به سعادت اخروی که همانا هدف نهایی از خلقت است متذکر می‌شود. بدون تردید عوامل متعددی همچون وراثت، محیط اجتماعی قبل و بعد از تولد، تعلیم و تربیت، عقل، مشیت الهی، اراده و اختیار؛ دخیل در تکون شخصیت انسان در بعد اخلاقی و معنوی می‌باشند.

اکنون این سوال پیش می‌آید که مهمترین و مؤثرترین عوامل دخیل در شکل‌گیری شخصیت اخلاقی و معنوی انسان کدامند؟ اندیشمندان و روانشناسان با متذکر شدن به این نکته که عامل وراثت و محیط اجتماعی، تحمیلی و غیرانتخابی می‌باشند؛ عامل وراثت را، با سه خصیصه خود: «الف - صفات جسمانی ب - هوش و حافظه ج - صفات اخلاقی» مهمترین عامل در تکون شخصیت اخلاقی و معنوی انسانی می‌دانند، تا حدی که قائل به «جبر ژنتیکی» شده‌اند و عمل بیرونی انسان را متناسب با شخصیت درون انسان می‌دانند. لیکن اندیشمندان اسلامی در ساخته شدن شخصیت اخلاقی انسان، با رد نظریه «جبر ژنتیکی» و «جبر محیطی»، عوامل مؤثری نظیر: وراثت، محیط، عقل، اراده، مشیت الهی، قضا و قدر، تعلیم و تربیت، را مورد استناد، تحلیل و بررسی خود قرار داده‌اند. لیکن با بررسی آیات قرآن کریم می‌توان ادعا نمود که مهمترین عوامل «شخصیت ساز» در بعد اخلاقی و معنوی انسان؛ «عامل وراثت، و عامل غیروراثتی بیرونی نظیر: محیط و تعلیم و تربیت» است.

اکنون باید بررسی نمود که ملاک‌ها و معیارهای سنجش میزان تأثیرگذاری و مهم قلمداد نمودن این سه عامل شخصیت ساز (وراثت، محیط، تعلیم و تربیت) از سایر عوامل کدامند؟ چه نسبتی بین این سه عامل، با عوامل

غیروراثتی درونی نظیر: عقل و اراده و مشیت الهی، وجود دارد؟ چه صفاتی ارثی و چه صفاتی اکتسابی و متاثر از تعلیم و تربیت و محیط است؟ آیا صفات ارثی قابل پیشگیری هستند؟ آیا با تعلیم و تربیت می توان اثر وراثت را خنثی نمود؟ آیا وراثت تاثیر مستقیم در اخلاق و رفتار ما دارد و یا در تاثیر خود نیاز به سایر عوامل دارد؟ میزان تأثیرگذاری عقل، اراده و اختیار، مشیت الهی، در «تکون شخصیت اخلاقی و معنوی» در چه حد و اندازه ای است؟ از این رو در این پژوهش «مفهوم شخصیت انسان»، و «مهمترین عوامل شخصیت ساز» با تکیه بر آیات قرآنی؛ مورد تبیین، تحلیل و ارزیابی قرار داده شده است.

۱-۱-۲- اهمیت و ضرورت تحقیق:

روانشناسان شخصیت انسانی را از جنبه های فیزیولوژی، و با توجه به خصوصیات ظاهری افراد و تمایلات پنهانی نظیر غرایز، نیازها و ساختمان بدنی و یا با توجه به رفتار مشهود انسان و فرایندهایی که از طریق اعمال رفتار بروز می دهند بررسی می نمایند. اما قرآن کریم شکوفایی و رشد شخصیت انسان را در جهت رسیدن به کمال مطلوب می داند و راه رسیدن به آن را در تعلیم و تربیت می داند و در تکون شخصیت اخلاقی و معنوی انسانی؛ با توجه نمودن به عامل وراثت و محیط در کنار تعلیم و تربیت حائز اهمیت می داند و توجه نمودن به مقوله مربی و تعلیم و تربیت، در تاثیر گذاری بر دو عامل دیگر ضروری می داند. بر این اساس شناخت عواملی که باعث تکون شخصیت اخلاقی و معنوی انسان از منظر قرآن می شود ضروری به نظر می رسد، این نوشته بر آن است تا با نگاهی به مضامین نورانی قرآن کریم، عوامل شکل یابی و شکل گیری و عوامل جهت دهی به شخصیت اخلاقی و معنوی انسان را بیان نماید. پس بنابراین بحث از عوامل مؤثر بر شکل گیری شخصیت و معرفی آن ها از منظر قرآن وقتی مفید خواهد بود که جایگاه هر عامل و نحوه تاثیر گذاری آن مشخص گردد.

۱-۱-۳- سوالات اصلی و فرعی:

۱-۱-۳-۱- سوال اصلی:

عوامل تکون شخصیت اخلاقی و معنوی انسان از منظر قرآن کریم چیست؟

۱-۱-۳-۲- سوالات فرعی:

۱- تاثیر وراثت در تکون شخصیت اخلاقی و معنوی انسان از دیدگاه قرآن کریم به چه میزان است؟

۲- تاثیر محیط در تکون شخصیت اخلاقی و معنوی انسان از منظر قرآن کریم به چه میزان است؟

۳- تاثیر تعلیم و تربیت در تکون شخصیت و تاثیر آن بر وراثت و محیط در شکل گیری شخصیت اخلاقی و معنوی انسان به چه میزان است؟

۱-۱-۴- فرضیه های تحقیق:

بر اساس آیات قرآنی مهمترین عوامل تکون شخصیت انسان سه عامل: «وراثت»، «محیط»، «تعلیم و تربیت» است. عامل «تعلیم و تربیت» بعد از عامل «وراثت» و «محیط» از مهمترین عامل شخصیت ساز و رشد شخصیت اخلاقی و معنوی انسان محسوب می گردد. عامل «اراده و اختیار» در طول «تعلیم و تربیت» است نه در عرض آن. تاثیر گذاری هریک از عوامل ثلاث در شخصیت انسان به نحو اقتضاء است نه علیت تامه. شناخت عوامل مؤثر در تکون شخصیت کمک شایانی به «خودشناسی» می کند.

۱-۱-۵- هدف ها و کاربردهای تحقیق:

هدف ما در تدوین این رساله بیان نگاه قرآن کریم به شخصیت انسان و آگاهی از دیدگاه قرآن کریم نسبت به عوامل تکون شخصیت اخلاقی و معنوی انسان با توجه به اهمیت شکل یافتن شخصیت و تاثیراتی که شخصیت افراد می تواند بر رشد اخلاق و معنویات و سعادت مند شدن داشته باشد. پس بنابراین در این پژوهش عوامل رشد شخصیت، رابطه انسان با خود و محیط، و همچنین نیاز نهاد آدمی به مربی در شکل گیری شخصیتی خود و ارائه راهکارهای قرآنی در جهت رشد معنوی انسان، تحقیق و بررسی خواهیم نمود.

۱-۱-۶- پیشینه تحقیق:

در مورد تکون شخصیت اخلاقی و معنوی از منظر قرآن کریم کتاب ها و مقاله ها و یا پایان نامه هایی که مهم ترین و مؤثرترین عوامل تکون شخصیت انسانی را مورد ارزیابی قرار داده باشند موجود نمی باشد فقط در این مورد به برخی از عوامل تکون شخصیت اشاره داشته اند و همچنین کتاب های تخصصی و مرجع فراوانی در مورد چگونگی رشد شخصیت انسان و عوامل تأثیر گذار بر رشد روان انسان توسط روانشناسان و انسان شناسان نگارش یافته که در زیر به نمونه هایی از آن ها اشاره داشته ام:

۱-۱-۶-۱- کتاب ها:

۱- کتاب «المحجّة البيضاء فی تهذیب الاحیاء» نویسنده: ملا محمد بن مرتضی بن محمود کاشانی، معروف به ملا محسن و ملقب به فیض کاشانی، مجلد: ۸ جلد، ناشر: جامعه مدرسین حوزه علمیه، قم ۱۳۸۳؛ که نویسنده کتاب الذریعه الی تصانیف الشیعه سال اتمام نگارش این کتاب مهم اخلاقی را ۱۰۶۶ قمری یاد می کند. فیض کاشانی این کتاب را، به منظور تهذیب و اصلاح کتاب «احیاء علوم الدین»، محمد غزالی نوشت. زیرا غزالی

هنگام نوشتن کتاب، از صوفیان و سنی مذهب بود، و بسیاری از مطالب به ویژه بخش عبادات آن را بر پایه اصول اهل سنت نوشته بود و در روایات به کسانی اعتماد کرده بود که در دروغگویی و افترا به خداوند و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مشهور بودند؛ همچنین افسانه های عجیب و داستان های شگفت انگیز، از کتب صوفیان آورده بود که مرحوم فیض آن را تهذیب و با روایات اهل بیت علیهم السلام آراسته نمود و آن را «المحججه البیضاء فی تهذیب الاحیاء» نام نهاد و به شیعیان عرضه کرد. می توان گفت که حدود سه چهارم «المحججه البیضاء»، همان است که در «احیاء علوم» آمده است. «احیاء العلوم» مشتمل بر چهل کتاب است که ده کتاب اول ربع عبادات، ده کتاب دوم ربع عبادات که شامل مسائلی است که ورای عبادات مربوط به آداب و قواعد حیات عادی انسان و معاملات ظاهری است. این ربع، در طی ده کتاب به ترتیب و با تفصیل تمام در باب آداب خوردن، زن کردن، کسب معاش، حلال و حرام، آداب دوستی، عزلت، سفر، سماع، امر به معروف و آداب و اخلاق نبوت سخن می گوید. غزالی در پایان این ربع، اخلاق نبوت را که چیزی جز، اخلاق پیغمبر نیست، برجسته تر می کند تا اصول صوفیه را بر سنت مبتنی سازد. در بین مطالبی که در این ربع مطرح است کتاب «آداب السماع و الوجد، مخصوصا از لحاظ تاریخ تصوف اهمیت خاصی دارد؛ زیرا غزالی در باب سماع بحث فقیهانه پیش می کشد و نتیجه ی صوفیانه بدست می آورد. ده کتاب سوم ربع مهلکات، و ده کتاب چهارم ربع منجیات است. فیض کاشانی در ربع عبادات به جای باب «آداب سماع و الوجد» «آداب الشیعه و اخلاق الامامه» را جایگزین کرده است آن هم به دلیل اینکه سماع و وجد در مذهب اهل بیت علیهم السلام جا ندارد. ربع مهلکات و ربع منجیات بیشتر مربوط به احوال باطنی است و در این دو ربع آنچه باعث هلاکت و نابودی انسان از حیث اخلاق و معنویات است و آنچه نجات از مهلکات است و به نوعی دوا و درمان محسوب می شود ذکر نموده است.

۲- کتاب «جامع السعادت» نویسنده: ملا محمد مهدی نراقی، مجلد: ۳ جلد، ناشر: موسسه الأعلمی للمطبوعات، بیروت بی تا چاپ چهارم، مصحح: سید محمد کلانتر؛ که محقق نراقی در کمال اختصار ضمن بیان مبانی و اصول، اهداف و روش های تربیت اخلاقی، با رویکرد تلفیقی و با استدلال برهانی ضمن بهره بردن از شریعت و عرفان و اندرز اقدام به شرح نظریات خود نموده است. محقق نراقی معتقد است بی شک مزاج و طبیعت در اخلاق و رفتار انسان نقش و همچنین معتقد است که اصل تربیت اکتساب فضایل تربیتی است. مباحث مربوط به اخلاق بندگی و دینی با سبک درمان برخی بیماریهای روحی، و تقسیم بندی نوین قوای نفس و دیگر مباحث خرد و کلان نشان از تلفیقی بودن جامع السعادت و عقلی بودن تهذیب و تربیت است. مرحوم نراقی عوامل تربیتی را بیشتر حول «وراثت» و «محیط انسانی (والدین، معلم، هم نشینان)» می پندارد و

مزاج و وراثت را از عوامل زمینه ای تربیت می داند و بر این باور است که صفات سرشتی افراد در چگونگی تربیت پذیری آنها دخالت دارد و اخلاق افراد تابع اینگونه ویژگی های سرشتی آنهاست.

۳- کتاب «معراج السعاده» نویسنده: احمد بن محمد مهدی نراقی، ناشر: موسسه انتشارات هجرت، چاپ ششم، قم ۱۳۷۸؛ که مشتمل بر ۵ باب است. باب اول: با نام مقدمات نافع است که دارای ۱۰ فصل است، باب دوم: در سبب انحراف اخلاق از مسیر پسندیده و حصول اخلاق زمیمه و بیان قوای نفس انسانی است که مشتمل بر ۸ فصل است، باب سوم: در بیان محافظت و حفظ تعادل اخلاق حمیده، مقدمات ترکیه نفس و تشخیص امراض نفسانی و معالجه آنها می باشد. باب چهارم: در تفصیل انواع اخلاق همچون عدالت و بیان شرافت فضائل و کیفیت اکتساب هر یک و شرح مفاسد رذایل و معالجه آنها و فضیلت علم و علما که در ۵ مقام بحث شده است. باب پنجم: در ذکر اسرار و آداب عبادات است که در هفت مقصد تألیف گشته است. باتوجه به محتوای کتاب می توان گفت که نظام اخلاقی فاضل نراقی مبتنی بر «شناخت نفس» و اعتدال قوا است و منشأ فلسفه تربیتی ایشان، منبعث از شریعت است و دست یابی به مطلوب نظر خود را در مسیر هدایت قرآنی می داند.

۴ - کتاب «کودک از نظر وراثت و تربیت»، نویسنده: محمد تقی فلسفی، ناشر: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ هفتم، تهران ۱۳۹۴؛ مطالب این کتاب صرفاً تربیتی محض است که مسؤولیت و نقش والدین در چگونگی تربیت اخلاقی کودکان با رفتار و اعمال خود، پرداخته است که جلد اول و دوم آن مجموعاً در پانزده سر فصل مهم تربیتی تدوین شده است. و هیچ گونه اشاره ای به عوامل شکل دهنده شخصیت نداشته است و مطالب آن فقط درباره کیفیت تربیتی کودک بیان شده است.

۵ - کتاب «مکتب ها و نظریه ها در روانشناسی شخصیت (با تجدید نظر و اضافات)»، نویسنده: سعید شاملو، ناشر: انتشارات رشد، تهران، ۱۳۹۱؛ که در این کتاب به بحث و بررسی مکاتب و نظریه هایی که در روانشناسی و روانپزشکی از جهات علمی بیشتر مورد قبول هستند پرداخته که در دوازده فصل با عناوین تعریف و تکامل تاریخی مفهوم شخصیت و فرضیه های اساسی طبیعت بشر، مکتب روان پویایی و روانپزشکی اجتماعی و بررسی مکاتب های انسان گرایی، هستی گرایی، روانشناسی مشرق زمین و در نهایت به بررسی نظریه اسلام درباره شخصیت انسان پرداخته است.

۶- کتاب «نظریه‌های شخصیت یا مکاتب روانشناسی»، نویسنده: علی اکبر سیاسی، ناشر: دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۷ که نویسنده در این کتاب به تحلیل و بررسی شخصیت انسان از نظر روانشناسی می پردازد و چگونگی دگرگونی شخصیت انسان و عوامل مؤثر بر آن در رشد شخصیت اشاره کرده است.

۷- کتاب «اخلاق در قرآن»، نویسنده: ناصر مکارم شیرازی، ناشر: مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، مجلد: ۳ جلد، چاپ اول، قم، ۱۳۷۷، نویسنده در جلد اول آن ضمن بیان کلیات مسائل اخلاقی، در فصل یازدهم آن، آمادگی های لازم برای پرورش فضائل اخلاقی را پاک بودن محیط در اعمال و افعال، نقش معاشران و دوستان، تأثیر تربیت خانوادگی و وراثت، علم و آگاهی، تأثیر فرهنگ، رابطه عمل و اخلاق، و رابطه اخلاق و تغذیه را در پرورش فضائل و ردائل؛ مهم بر شمرده و از فصل دوازدهم و تا آخر جلد سوم مباحث عمده آن، گام های عملی در تهذیب اخلاقی را شامل است.

۸- کتاب «اسلام و تعلیم و تربیت»، نویسنده: ابراهیم امینی، ناشر: بوستان کتاب، چاپ دوم، قم، ۱۳۸۴؛ نویسنده در مورد جنبه های تربیت پذیری انسان و ماهیت و استعداد های انسان و اهداف تربیتی و عوامل و راهکار های مؤثر در راه تربیت را، بحث و بررسی نموده است. لیکن در این کتاب به بررسی عامل محیط و وراثت پرداخت نشده است.

۹- کتاب «انسان و شخصیت شخصیت شناسی (۱) و عناصر سازنده شخصیت انسان (۲)» نویسنده: محمد روحانی مجد، ناشر: هادی مجد، چاپ اول، قم، ۱۳۸۶؛ که در دو جلد به بررسی عوامل بیولوژی و فیزیکی و در بخش دوم به عوامل محیطی اعم از محیط طبیعی و اجتماعی اشاره داشته و در بخش سوم به بررسی عوامل شناختی و آموزشی و عامل اراده که امکان رشد و عوامل مؤثر در رشد اراده انسان اشاره داشته است.

۱۰- کتاب «وراثت و سرنوشت»، نویسنده: محمد علی اخویان، ناشر: تامین تهران، تهران، ۱۳۸۸؛ به بیان عامل وراثت و ژنتیک در سعادت و شقاوت انسانی و بررسی میزان تأثیری گذاری وراثت در ابتدایی ترین مرحله های اخلاقی انسان جهت رشد یافتن در آینده و سرنوشتی که خود رقم خواهد زد.

۱۱- کتاب «روانشناسی شخصیت از دیدگاه اسلامی» نویسنده: علی اصغراحمدی، ناشر: امیر کبیر، تهران، ۱۳۷۴ نویسنده در این کتاب سعی داشته نظریه شخصیتی را ارائه کند که ماهیتاً تجربی نیست و دارای چارچوبی از بینش نسبت به سازمان روانی انسان است. در این کتاب از فلسفه و عرفان برای تبیین هرچه بیشتر مطالب استفاده شده است که با روش این رساله که استخراج مستقیم از آیات قرآن کریم می باشد متفاوت است.

۱۲- کتاب «تعلیم و تربیت از دیدگاه امام خمینی (اهمیت جایگاه و عوامل مؤثر بر تعلیم و تربیت)»، نویسنده: مجتبی فراهانی، ناشر: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ هفتم، تهران، ۱۳۹۳؛ این کتاب مشتمل بر دو فصل اهمیت و جایگاه تعلیم و تربیت و عوامل مؤثر بر تعلیم و تربیت در سه بعد دینی، فردی-اجتماعی، و محیطی مطرح شده است.

۱-۱-۶-۲- پایان نامه ها:

۱- «تأثیر عوامل وراثتی محیطی بر تربیت فرزند از دیدگاه آیات و روایات» دانشجو: فاطمه زینی وند، استاد راهنما: عادل نادر علی، دفاع شده در دانشگاه رازی کرمانشاه در سال ۱۳۸۹ که فقط به بحث عوامل محیطی بسنده نموده است.

۲- «تأثیر خانواده در تکوین شخصیت از دیدگاه قرآن و حدیث با مقارنه دانش اجتماعی» دانشجو: حکیمه مفتاح، استاد راهنما: عباس همایی، دفاع شده در دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی سال ۱۳۸۹ که به تأثیرگذاری خانواده در شکل یافتن شخصیت اشاره نموده و به عوامل دیگر اشاره ای نداشته است.

۳- «تأثیر محیط بر تربیت از نظر قرآن» دانشجو: میهن پاکت چی، استاد راهنما: منصور پهلوان، دفاع شده در دانشگاه آزاد اسلامی تهران واحد شمال سال ۱۳۷۷ که در تأثیرگذاری محیط بر تربیت انسان و ارتباط محیط و تربیت اشاره داشته و بحثی از سایر عوامل نداشته است.

۴- «تأثیر وراثت بر شخصیت» دانشجو: معصومه بمانعلی، استاد راهنما: حسن محمدی، دفاع شده در حوزه علمیه خواهران در سال ۱۳۸۳ که فقط از جنبه وراثتی بر شخصیت تأکید کرده و مورد بررسی قرار داده است.

۵- «نقش وراثت در تکوین شخصیت انسان از دیدگاه قرآن و روایات» دانشجو: فائزه نصرتی، استاد راهنما: دکتر طلعت حسنی بافرانی، دفاع شده در دانشگاه الهیات و معارف علوم اسلامی قم سال ۱۳۹۵ که فقط به نقش و تأثیر وراثت توجه نموده است.

۶- «بررسی شخصیت و ابعاد آن از دیدگاه قرآن» دانشجو: حمید پارسایی، استاد راهنما: دکتر رقیه صادقی نیری، دفاع شده در دانشگاه تربیت معلم آذربایجان در سال ۱۳۸۹ که به بررسی چندین عامل موازی و هم ردیف و شرایط تأثیر گذاری هر کدام از عوامل پرداخته است. ابتدا رویکرد روانشناسی را نسبت به شخصیت بررسی کرده و سپس دیدگاه قرآن کریم را با نگرش مفهومی و تحلیلی نسبت به دو شخصیت سالم و ناسالم بررسی کرده و به مقایسه آنها با آنچه در روانشناسی به این نام ها شناخته میشود پرداخته است.

۷- «تأثیر وراثت و محیط بر تکوین شخصیت انسان از دیدگاه قرآن و روانشناسی» دانشجو: مجاهد قیّم، استاد راهنما: دکتر مینا شمخی، دفاع شده در دانشگاه شهید چمران اهواز سال ۱۳۹۳ که به بررسی چگونگی تأثیر هر یک از دو عامل بدون در نظر داشتن عوامل مؤثر و مهم و بدون ذکر کارگرد هر یک از عوامل در ارتباط با یکدیگر پرداخته است.

۸- «روانشناسی شخصیت در قرآن» محقق: ابراهیم نیک صفت، استاد راهنما: سید محمد غروی، رساله علمی سطح ۴ حوزه علمی قم سال ۱۳۹۰ که در این پژوهش پس از بررسی مبانی شخصیت به عوامل، نیازها و انگیزه های شخصیت پرداخته ابعاد مختلف شخصیت را بررسی کرده سپس به بررسی کلی شخصیت کامل و شخصیت نابهنجار از منظر قرآن کریم پرداخته است و از جامعیت و شمول لازم جهت تبیین عوامل تکوین شخصیتی برخوردار نیست.

۹- «مبانی روانشناختی شاخصه شخصیتی افراد رشد یافته از منظر قرآن» دانشجو: علی شهروی، استاد راهنما: غلامعلی افروز، دفاع شده در دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران دانشکده علوم تربیتی، گرایش روان شناسی تربیتی، در سال ۱۳۹۱ که هدف اصلی این پژوهش بررسی ویژگی های افراد رشد یافته از منظر قرآن کریم بوده است و نتوانسته یک نگاه جامع و کامل از عوامل تکوین شخصیتی ارائه نماید.

۱۰- «مبانی روانشناختی شخصیت در قرآن» دانشجو: سید مرتضی مبلّغ، استاد راهنما: غلامعلی افروز، دفاع شده در دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، دانشکده علوم اجتماعی و روانشناسی، گرایش روانشناسی تربیتی سال ۱۳۸۵ این پژوهش بر مبنای چهارچوب نظریه های شخصیت در روانشناسی به سراغ قرآن کریم رفته و آیات را از آن منظر مورد بررسی قرار داده است. در حالی که در پژوهش پیش رو سعی شده مبانی روانشناختی شخصیت از منظر قرآن کریم از خود آیات و روایات استخراج شوند.

۱-۱-۶-۳- مقاله ها:

۱- «به سازی ژنتیک از منظر اسلام» نویسنده: محمدعلی قاسمی، مجله رواق هنر و اندیشه آبان ۱۳۸۴ که به بیان عملکرد ژن و اثبات ژنتیک در متون روایی پرداخته و به توارث و انتقال صفات و اهمیت دادن به آن در اسلام را مورد تأکید خود قرار داده است. در این مقاله فقط روایات را مورد استناد خود قرار داده و هیچ اشاره ای به آیات قرآن کریم نداشته است.

۲- «نقش وراثت در سرنوشت انسان از منظر قرآن و حدیث» نویسنده: حمیدرضا بصیری- مریم گوهری، مجله سراج منیر شماره ۱۳ زمستان سال ۱۳۹۲ که در این مقاله جایگاه وراثت در سرنوشت انسان از دیدگاه دانش ژنتیک، قرآن کریم و روایات مورد بررسی خود قرار داده اند و قائل به تضعیف و یا تقویت صفات مورثی به وسیله عوامل محیطی و تربیتی هستند و سعادت و شقاوت منحصر به عامل وراثت نیست و عامل اراده و تربیت را در آن مؤثر می دانند و قانون وراثت به وسیله این دو عامل قابل تغییر هست ولی در این پژوهش عامل اراده و اختیار انسان را هم عرض عامل تربیت می دانند در حالی که عامل اراده و اختیار در طول تعلیم و تربیت می باشد نه در عرض آن و نمی شود اراده را به عنوان عامل موازی با دو عامل دیگر یعنی وراثت و محیط قرار داد هر چند تبیین کننده شخصیت می باشد اما انسان با آمادگی جهت تعلیم و تربیت می تواند کسب صفات اخلاقی نماید و سعادت و شقاوت خود را رقم بزند.

۳- «پژوهشی درباره ی حدیث «السعيد سعيد في بطن امه..» نویسنده: محمد ری شهری، مجله علوم و حدیث شماره ۲ سال ۱۳۸۱ که به بررسی و تحلیل معانی محتمل در حدیث مذکور می پردازد و در نهایت معنای انتخابی خود را از علم خداوند متعال به شقاوت و بدبختی انسان، با توجه به احادیث امام صادق و امام کاظم علیهما السلام، علم به اراده انسان در انتخاب راه می داند. و خداوند متعال می داند که انسان با اختیار خود چه راهی را می خواهد انتخاب نماید. پس علم ازلی خداوند علت صدور افعال نمی باشد.

۴- «روان شناسی شخصیت از دیدگاه اسلام» نویسنده: سعید یزدان پناه-حجت زارعی، نخستین همایش اسلام و سلامت روان، بندرعباس، اسفند ماه ۱۳۹۱ که در این مقاله سعی در چگونگی شناخت از خویشتن جهت رسیدن به سعادت و راه های گریز از شقاوت که مهمترین آن شناخت عوامل در خود ماندگی و عدم شناخت پیرامون خود می باشد مورد بررسی و کاوش خود قرار داده است.

۵- «رابطه تعلیم و تربیت از منظر قرآن» نویسنده: سید حسین هاشمی، شماره ۶۱ پژوهش های قرآنی ۱۳۸۹ که به نسبت تعلیم و تربیت، بیان چیستی و مفهوم تعلیم و تربیت، تبیین واژگان تعلیمی و تربیتی، روش ها، اسباب، عوامل و فرآیندهای تعلیم و تربیت، از منظر قرآن کریم پرداخته و تعلیم و تربیت در قرآن کریم را دو مفهوم متمایز از یکدیگر که در بسیاری عرصه ها جدا از هم هستند و در پاره ای موارد نیز پیوست و هم نشینی با هم دارند، معرفی می کند. ولی به بیان و آثار تربیتی و روش های تربیتی و شرط اثر گذاری تربیت از منظر قرآن کریم اشاره ای نداشته و می شود گفت که فقط به مبادی تصویری تعلیم و تربیت پرداخته است.

۶- «تفاوت های فردی ناشی از عوامل ژنتیک از دیدگاه قرآن و روایات معصومین علیهم السلام» نویسنده: حمیدرضا بصیری، مریم گوهری، سید محمد اکرمی، پژوهش نامه ثقلین شماره ۲ سال ۱۳۹۴ که در این مقاله به تفاوت های فردی ناشی از عوامل ژنتیکی از منظر قرآن کریم و روایات پرداخته شده است و عامل انتقال صفات و تفاوت های فردی و اجتماعی در دو بعد جسم و اخلاق را ژن معرفی می نماید و در این انتقال هیچ گونه فرقی بین خصایص الف- جسمانی ب- هوش و حافظه و ج- اخلاقی قائل نشده اند و در بیان تفاوت های فردی و اجتماعی به نوعی قائل به جبر ژنتیکی شده اند.

لیکن با توجه به اینکه موضوع شخصیت و عوامل مؤثر در شکل گیری آن از اهمیت ویژه ای برخوردار است و با توجه به تحقیقات فراوان و کثرت مباحث در این زمینه تا کنون هیچ اثری که بطور مفصل در ضمن بررسی آیات در زمینه مهمترین عوامل تکون شخصیت انسان به آن پرداخت شده باشد انجام نگرفته است لذا در این پژوهش سعی بر این شده که با بررسی آیات عوامل منحصر در تکون شخصیت اخلاقی و معنوی انسان زمینه های بروز و ظهور و تأثیر گذاری عوامل را بررسی نمود.

۱-۱-۷- روش پژوهش

توصیفی تحلیلی

۱-۱-۸- روش گردآوری اطلاعات و داده ها:

روش گردآوری اطلاعات در این پژوهش کتابخانه ای می باشد و اسناد نوشتاری - اطلاعات به صورت فیش برداری است.